

سر مقاله

منطقه نگران و ترامپ مردد!

ادامه از صفحه ۱

... اکثر این کشورها در چند دهه اخیر روابطی پر تنش با ایران داشته‌اند، از این رو، نگرانی آن‌ها خود مساله تغییری نیست، بلکه تبعات و پیامدهای متعدد آن است.

این نگرانی هم فراتر از سطوح رسمی، به‌تخیل‌های ملت‌های منطقه نیز سرایت کرده است؛ حتی جریان‌هایی که طی این سال‌ها به موضوعاتی مانند سوریه، تگانی انتقادی و خصمه نسبت به جمهوری اسلامی داشتند و گاه از روی سقوط آن را می‌کردند، اکنون "بعضاً" در سایه تحولات دوسال اخیر منطقه، در چارچوب تقابلی با اسرائیل به این موضوع می‌نگرند.

این در حالی است که تا دو سال پیش، به دلایلی قسمی جبهه‌جایی مفهومی و گفت‌وابی در منطقه در امر «دشمن نخست» از اسرائیل به ایران شکل گرفته و یاد در حال شکل‌گیری بوده اما پس از جنگ غزه و حملات به سوریه و دیگر رفتارهای اسرائیل، این جلیب‌جایی گران لم یکن شد.

اما نگرانی مشترک کشورهای منطقه از یک جنس نیست و تفاوت دارد.

برای نمونه، نگرانی مصر، ترکیه و پاکستان دقیقاً همان نگرانی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیست و حتی در میان شیخ‌نشین‌ها نیز ماهیت نگرانی‌ها متفاوت است.

نگرانی جمعی همسایگان جنوب ایران است که قربانی هرگونه جنگی خواهند شد که هدف آن تغییر نظام در ایران باشد، به این معنا که چنین هدفی، رفتار ایران را واکنشی به یک جنگ محدود، مانند جنگ ۱۲ روزه به سلیح پاشی متناسب «برد بقا» ارتقا می‌دهد و ممکن است دیگر هیچ خط قرمزی نماند.

از این رو، این کشورها معتقدند وجود پایگاه‌های آمریکا و متحد بی‌سود یا آن، پای آن‌ها را به جنگ خواهد کشاند و فراتر از این پایگاه‌ها نیز ممکن است تأسیسات زیربنایی از جمله تأسیسات نفتی آن‌ها هدف قرار گیرند.

در کنار آن، بیم ناامن شدن تنگه هرمز و باب‌المندب و به تبع آن، مختل شدن صادرات انرژی، تجارت و چشم‌اندازهای کلان اقتصادی خود را هم دارند.

در کنار این نگرانی مشترک، عمان، قطر، کویت و تا حدودی عربستان این نگرانی را هم دارند که هر تغییری در ایران در سایه رفتار تل‌آویو در دو سال اخیر، اسرائیل را در جایگاه «قدرتمند منطقه» نشاندهند و آن‌ها را عاملیت خود را از دست بدهند. همین مسئله نگرانی اصلی مصر، ترکیه و پاکستان نیز هست؛ با این تفاوت که این کشورها برخلاف شیخ‌نشین‌ها نگرانی مستقیمی از درگیر شدن در جنگ ندارند.

در مجموع، این کشورها، حتی آن‌هایی که با اسرائیل روابط دارند، این نگرانی را دارند که ایران پس از جمهوری اسلامی به «متحد اصلی» اسرائیل و غرب در منطقه تبدیل شود و روابط طرفین در ابعاد مختلف «مسیح‌آمیز» تر شود و روابط کنونی آن‌ها با تل‌آویو و غرب شود.

امارات نیز که بیشترین تعداد حملات موشکی ایران و اصرارالله است، در کل، احتمالاً کشورهای دارای رابطه با اسرائیل بر این باور نیز هستند که ایران متحد اسرائیل در آینده، «زرش افزوده» عدالت‌گویی میان دو طرف را از آن‌ها خواهد گرفت و روابطشان با تل‌آویو دیگر کارکرد گذشته را نخواهد داشت.

همین دغدغه‌های مشترک و متفاوت، پیش‌تر محرکات گسترده کشورهای منطقه برای جلوگیری از وقوع جنگ شده است و در سایه آن، نوعی جنگ لاری‌گری در آمریکا میان این کشورها و اسرائیل بر سر رنج من ترامپ در جریان است. البته این کشورها در عین تلاش برای جلوگیری از جنگی گسترده، تمایلی هم به نوعی توافق ندارند که نتیجه آن بهبود جدی جایگاه ایران در منطقه باشد و هنوز فضای بی‌اعتمادی وجود دارد.

در دکتین امنیتی اسرائیل، دیگر برنامه هسته‌ای و موشکی ایران تهدید اصلی محسوب نمی‌شود، بلکه بقای جمهوری اسلامی تهدید اصلی تلقی می‌شود. همان‌گونه که چنین نگاهی هم به حماس در غزه و حزب الله در لبنان دارد.

با این حال، تصمیم نهایی را خود ترامپ می‌گیرد که ظاهراً همچنان مردد است. او تا زمانی که از کنترل تبعات جنگ تمام‌عیار اطمینان پیدا نکند، بعید است وارد آن شود و بیشتر به دنبال ضربه‌های سنگین، سریع و کنترل‌شده است که به جنگ منطقه‌ای منجر شود.

در مقابل، ایران با نوعی «رویکرد تهاجمی» می‌کوشد محاسباتی را با تغییر هدف و به این جمع‌بندی برساند که هر حملاتی می‌تواند به جنگی منطقه‌ای تبدیل شود. پرواز پهپاد شامد بر فراز ناو هواپیمابر آمریکا و ماجرای نفت‌کش در تنگه هرمز نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

اکنون در میانه تردید ترامپ و جنگ لایه‌ها، قرار است مذاکرات روز جمعه در مسقط از سر گرفته شود و باید دید در نهایت کدام مسیر رقم خواهد خورد. توافق، جنگ گسترده یا جنگ محدود دیگری اما شدت‌تر از قبل.

صابر گل‌عنبی
Alborzpayam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می‌دهد

گشایش در نیمه‌بسته دیپلماسی در مسقط

بعدی باز کند. تحلیل‌گران معتقدند که آینده این مذاکرات نه با یک دیدار واحد، بلکه با مجموعه‌ای از گام‌های بی‌دری تعیین خواهد شد.

شروعی محتاطانه پس از یک دوره تنش

در پایان گفت‌وگوهایی فشرده روز جمعه، وزیر امور خارجه کشورمان از این دور مذاکرات به عنوان «شروعی خوب» یاد کرد؛ توصیفی که بیش از آنکه نشانه گشایش فوری باشد، بیانگر باز شدن دوباره مسیر گفت‌وگو پس از دورانی از تنش، بی‌اعتمادی و توقف دیپلماتیک است. به گفته سیدعباس عراقچی، جلسات تا صبح تا عصر ادامه داشت و در این مدت دیدگاه‌ها و مواضع دو طرف پس از مدتی طولانی، به‌طور غیرمستقیم منتقل شد؛ موضوعی که خود نشانه‌ای از خروج مذاکرات از وضعیت سکون و بازگشت به مسیر تعامل است.

پایان حال، تهران در سخنان وزیر امور خارجه برجسته‌بود، تا کیدیر ماهیت مشورتی مرحله فعلی است. قرار بر این شده است که هیأت‌ها برای رایزنی و جمع‌بندی به پایتخت‌ها بازگردند؛ امرحله‌ای که معمولاً نشان می‌دهد گفت‌وگوها وارد فاز تصمیم‌سازی سیاسی شده، جایی که ملاحظاتی راهبردی، امنیتی و اقتصادی در کشور در سطحی بالاتر بررسی می‌شود. در عین حال، توافق بر سر «اصل ادامه مذاکرات» نشان می‌دهد کاتال دیپلماسی باز مانده و اراده‌ای برای قطع روند گفت‌وگو وجود ندارد.

اشاره عراقچی به «بی‌اعتمادی» به‌عنوان چالش اصلی نیز تصویری واقع‌بینانه از فضای حاکم ارائه می‌دهد. به‌نظر می‌رسد این دور از مذاکرات بیش از آنکه صحنه توافق نهایی باشد، مرحله بازسازی اعتماد حلقه‌ای برای ادامه مسیر است. مسیری که اگرچه دشوار و زمان‌بر توصیف می‌شود، اما نفس تازه‌ای آن می‌تواند از بازگشت کامل به چرخه تنش جلوگیری کند. به این ترتیب، نشست ۱۷ بهمن‌رأی‌توان آغاز دوباره گفت‌وگو در فضایی محتاطانه‌تر است؛ نه پایان اختلافات، بلکه باز شدن دری که ماه‌ها نیمه‌بسته مانده بود.



این نگاه نشان می‌دهد که حتی اگر در مذاکرات پیشرفتی صورت گیرد، هرگونه دستورالعمل نیازمند توافق فنی و حقوقی گسترده است، و روندی که می‌تواند ماه‌ها به طول بینجامد. امکان شکل‌گیری چارچوب‌های اولیه برای کاهش تنش وجود دارد، اما توافق کلی که تمام موضوعات کلان را حل کند، هنوز دور از دسترس به نظر می‌رسد.

در این دور، دو «چالش بیرونی» نیز بر مذاکرات سایه افکند؛ یکی مشکل عدم اعتماد تاریخی میان تهران و واشنگتن که به تجربه‌های تلخ گذشته بازمی‌گردد، دیگری تضاد منافع منطقه‌ای که در آن بازیگران دیگری نیز نقش‌آفرینی می‌کنند و در نهایت می‌تواند بر سرنوشت مذاکرات تأثیر بگذارد.

دیپلماسی بازنگاره تاریخی؟

رویکرد ایران در این مذاکرات، نمایانگر تلاش برای به‌کارگیری دیپلماسی فعال در برابر فشارهای تحریمی، سیاسی و امنیتی است. تجربه برجام و پس‌لرزه‌های آن در حافظه دیپلماتی ایران نقش‌یسته است و این بار نیز تهران با احتیاط و محاسبه گام برمی‌دارد. از سوی دیگر، آمریکا تلاش دارد با حفظ رویکرد فشار، موضوعات فراتر از پرونده هسته‌ای را در میز گفتگو وارد کند تا از این طریق دست بالاتری در مذاکرات داشته باشد. اهمیت این مذاکرات در این است که حتی اگر توافقی حاصل نشود، خود موقت گفت‌وگوها می‌تواند به کاهش تنش موقت در منطقه کمک کند و مسیر برای تعاملات

واشنگتن مذاکرات را نه به عنوان یک روند صرفاً دیپلماتیک، بلکه در زیربنای آن به مثابه ابزاری در برابر فشار نظامی می‌بیند. چنین رخدادی شاید نشان دهد که آمریکا تمایلی ندارد کلاً از ابزار نظامی و تهدید در کنار مسیر گفت‌وگو صرف نظر کند؛ ترکیبی که تحلیل‌گران آن را تلاش واشنگتن برای ایجاد «مزیت اهرمی» در میز مذاکرات ارزیابی می‌کنند.

در همین حال، ایران با تأکید بر دیپلماسی هوشمند و اتحاد میان دستگاه‌های سیاست خارجی و دفاعی، تلاش کرد این پیام را منتقل کند که رویکرد تهران نه تسلیم فشار است و نه انفعال. تحلیل‌های داخلی نیز به این نکته اشاره دارد که تهران دیپلماسی را وسیله‌ای برای تقویت منافع ملی می‌داند و نه ابزاری برای تسلیم شدن زیر بار شروطی که مغایر با خطوط قرمز آن باشد.

فضای مذاکرات و معنای آن برای آینده فضای عمومی مذاکرات جامعه از نظر رسمی، جدی، نسبتاً حرفه‌ای و بدون تنش شدید لفظی توصیف می‌شود، اما تحلیل دقیق‌تری که از پشت پرده جریان دارد، حکایت از آن دارد که اختلافات عمیق‌تر از ظاهر مذاکرات است. در برخی تحلیل‌های خارجی نیز مطرح شده است که اهمیت آنچه در داخل اتاق مذاکره می‌گذرد، نسبتاً کم است. به همه اظهارنظرهای بیرونی، به منزله «بازی رسانه‌ای» است که می‌تواند سطح انتظارات را مدیریت کند اما نمی‌تواند تحولات واقعی را تعیین کند.

امام جمعه کرج:

ایران در اوج قدرت است

عنوان دهه فروری از مساجد هم نامگذاری شده است، گفت: با توجه به دشمنی‌هایی که نسبت به مسجد انجام می‌شود یا تون و قدرت» در سال جدید معنوی که با ماه مبارک رمضان شروع می‌شود به مساجد بیشتر رسیدگی کنیم و توجه ما به مساجد بیشتر شود تا ماه رمضان با یک شور و نشاط شروع شود. مساجد محل قوی شدن ایمان است. نقش مساجد در گام اول انقلاب به خوبی انجام گرفت و در گام دوم توجه به مساجد اساسی‌تر و حساس‌تر است. چون موتور محرک و پیشران دولت‌سازی و جامعه‌سازی که جوانان هستند در مسجد تربیت می‌شود. ما به نیرو نیاز داریم و نیرو در مسجد تربیت می‌شود.

حسینی همدانی افزود: مساجد الان در جایگاه اصلی خود نیست، اگر مسجد در جایگاه خود باشد در آن منطقه خیلی از معضلات نباید وجود داشته باشد. پیوند مسجد با انقلاب ریشه دار است. انقلاب را مولود مسجد می‌دانند به همین دلیل کینه نسبت به مسجد شدید است.

امام جمعه کرج در ادامه به این پیام پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: پیروزی انقلاب کام مردم

امام جمعه کرج گفت: امروز ایران در اوج قدرت است. به هیاهوهای رسانه‌های نگاه نکنید. اگر جنگ‌افروزی کنند، بی‌زگترین شکست تاریخی خود را در این منطقه خواهند دید.

به گزارش پیام آشنا، آیت‌الله سیدمحمد مهدی حسینی همدانی در خطبه نماز جمعه ۱۷ بهمن کرج گفت: روزهای ماه شعبان در حال سپری شدن است. کسانی که توان دارند از لحظات این ماه غفلت نداشته باشند. از امام صادق (ع) روایت داریم که حتی اگر کسی خون ناحق را هم ریخته باشد اگر در این ماه روزه بگیرد و از خدا طلب کند، خداوند او را می‌آمرزد. روزه پاک‌کننده جنایات این چنینی هم هست.

حسینی همدانی افزود: در کس در روز روزه این ماه ۷۰ مرتبه استغفار کند مثل این است که ۷۰ هزار مرتبه در روزهای دیگر استغفار کرده باشد. صدقه دادن هم زیاد در این ماه توصیه می‌شود. اگر به اندازه نصف دانه خرما صدقه دهید بدنتان بر آتش حرام می‌شود.

وی در ادامه با بیان اینکه دهه آخر ماه شعبان به

یا منحرف کنند و تا امروز نتوانستند. نزاع ما با آنان دائمی است. می‌گویند دست از آنچه به شما قدرت می‌دهد بکشید اما به فضل الهی دشمنان ما تا امروز نتوانستند و از این به بعد هم هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.

وی افزود: دشمن اصلی ما آمریکا است و ما هیچ روزی آمریکا سگ تعلیم دیده او و سیاست‌های رویه پیرا فراموش نمی‌کنیم. ایران قلمه‌های دشمن را از این برده و از اسلجم علمی قوی برخوردار است و استخبار به خصوص با ایران در چالش راهبردی قرار گرفته است. متأسفانه هنوز در داخل کشور قلم و زبان عده‌ای غریب‌زده و مذاکره‌طلب از مذاکره به عنوان چاره تمام درها می‌گویند. مگر ایران به هر مذاکراتی تن می‌دهد؟

حسینی همدانی گفت: ما به مذاکره به عنوان یکی از عرصه‌های جنگ ترکیبی نگاه می‌کنیم و در این بخش هم وارد می‌شویم و نباید این عرصه را ترک کنیم و در کشور ناگت در مورد موضوعی که مورد نظر خودمان است مذاکره می‌کنیم.

وی افزود: دشمن از روی ضعف سخن می‌گوید. همین رئیس جمهور حبیب آمریکا می‌گوید اگر سلیمانی زنده بود شاید نمی‌توانستیم در برابر ایران اقتدر موفق باشیم. این اعتراف است به اینکه ما مجاهدت سلیمانی در میدان نبرد بود که جنگ را از مرزهای ایران دور کرد و امنیت برای ایران آورد. نه خندیدن و قدم زدن با پرورش ندانگان تروریست‌ها